



میزگرد اعضای شورای برنامه ریزی مجله رشد مدیریت مدرسه

## آینده آموزش و پرورش

انلداز محمدزاده صدیق

میزگرد برخط اعضای شورای برنامه ریزی مجله رشد مدیریت مدرسه با حضور دکتر حیدر تورانی، دکتر علی خلخالی، دکتر مرتضی مجدفر، ابراهیم اصلانی، مهندس صادق صادق پور و دکتر محمدعلی شامانی برگزار شد. در این میزگرد با نگاهی به صدسال اخیر، فعالیت آموزش و پرورش در کشور نقد و بررسی شد و درباره لزوم برنامه ریزی و چاره اندیشی برای سال های پیش روی نظام آموزش و پرورش بحث و تبادل نظر شد.

آموزشی، مدرسه ها و تمرکززدایی، مدرسه ها و خصوصی سازی، مدرسه ها و تنوع و تکثر، مدرسه ها و انتخاب والدین، مدرسه ها و استلزامات عصر دیجیتال و همچنین مشترکات و تمایزهایی که با دنیای پیشرفته داریم، نظام آموزشی را تحت تأثیر خویش قرار می دهد. به هر حال باید خودمان را پیدا و تکلیف و جایگاهمان را مشخص کنیم. تا خودمان ندانیم کجا هستیم و کجا

پیش خواهد داشت». تورانی با بیان اینکه «آینده به سوی ما می آید، باید دید چه انتظاری از این نقش های جدید می رود»، ادامه داد: در عصر دیجیتال شاهد آن هستیم که نقش ها در حال تغییرند. خیلی وقت ها بعضی از نقش ها نیز جابه جا می شوند، مشارکت و خرد جمعی بیشتر و ارتباطات گسترده تر و عمیق تر می شوند. همه این عوامل و موضوعاتی از قبیل مدرسه ها و عدالت

### بخشی از برنامه دیگران نباشیم

دکتر حیدر تورانی، سردبیر مجله رشد مدیریت مدرسه، در ابتدای این میزگرد گفت: «عصر دیجیتال و سرعت بالای فناوری ارتباطات و اطلاعات، هم بستگی زیاد انسان ها به یکدیگر و موقعیت هایی که روز به روز نقششان تغییر می کند، از جمله عرصه هایی هستند که نشان می دهند آموزش و پرورش ما چگونه آینده ای در



## ترسیم آینده با نیم‌نگاهی به گذشته

سردبیر مجله رشد مدیریت مدرسه برای سهولت در ادامه گفت‌وگو، با ذکر مثالی توضیح داد: «شیشه جلوی ماشین بزرگ است. بالای شیشه جلو، یک آینه کوچک قرار دارد که راننده از طریق آن عقب را هم می‌بیند. به عبارت دیگر، عقب را با یک آینه خیلی کوچک و جلو را با یک شیشه خیلی بزرگ می‌بیند. در واقع نگاه به جلو باید بزرگ‌تر و وسیع‌تر باشد و البته نیم‌نگاهی هم باید به گذشته داشت. اجازه دهید رو به جلو گفتمان کنیم. جلو که برویم و مطلوب‌ها و استانداردها که مشخص شوند و نرم‌های پیشرفت خود را نشان دهند، خودبه‌خود نارسا بودن یا معیوب بودن روش‌های حال و گذشته مشخص خواهند شد. به جای اینکه بگوییم گذشته این‌گونه بوده و خود را در مظان اتهامات بی‌ربط قرار دهیم و متوقف شویم، آینده را ترسیم کنیم و بگوییم براساس آموزه‌های ملی و دینی و نیز چشم‌انداز دنیای پیشرفته، آموزش‌وپرورش موفق این است و آینده ایران نیز باید این‌گونه باشد. لذا وقتی مطلوب‌ها را بیان کنیم و بگوییم که مطلوب این‌گونه است، آن‌گاه خودبه‌خود وضع گذشته و موجود محک می‌خورد و زیر سؤال می‌رود. این رویکرد رو به جلو، گفت‌وگویمان را بهتر پیش خواهد برد.»

## لزوم غیرخطی شدن برنامه‌ریزی‌ها



**دکتر مرتضی مجدفرد** در این نشست تخصصی با تقسیم یک قرن گذشته آموزش‌وپرورش کشور به دو بخش، گفت: «یک بخش تا سال

افتاد، بلکه پسرفت نیز خواهیم داشت. او گفت: «اگر امروز برخی از کشورها در اداره مدرسه‌هاشان موفق‌ترند، به این دلیل است که از قبل ترها شروع کرده‌اند و زیرساخت‌های نرم و سخت مورد نیاز را آماده کرده و آینده را زودتر دیده‌اند. عصر امروز عصر دیجیتال است و ما موقعی می‌توانیم مؤثر و موفق باشیم که آموزش‌وپرورش را نهادی سرمایه‌ای باور کنیم و آینده را به‌درستی بنگاریم.»

## ارتباطات و تعاملات را جدی بگیریم



**ابراهیم اصلانی** در این نشست تخصصی گفت: «وقتی نگاه به آینده داریم، طبیعی است باید گذشته را نیز مرور کنیم. تجارب گذشته نظام آموزشی نشان می‌دهد که ما در زمینه نگاه به انسان، زندگی و تربیت اشتباهاتی داشته‌ایم که نتیجه‌اش را امروزه در زندگی شخصی مردم و نیز رفتارهای اجتماعی - تربیتی می‌بینیم». اصلانی ادامه داد: «ده سال است که سند تحول به طور جدی مطرح است. اما واقعاً در حد حرف است. همه اصرار می‌کنیم همه با سند آشنا شوند. اما در عمل نظام آموزشی و حاکمیتی کشور، اقدام عملی مؤثر و جدی برای تحقق سند نکرده است؛ سند به‌عنوان چشم‌اندازی است که صرفاً چراغ‌های آرزوها را روشن کرده است». عضو شورای تحریریه مجله رشد مدیریت مدرسه ادامه داد: «بهتر است نظام آموزشی، متوجه شود که در سال‌های گذشته نارسایی‌های جدی در آموزش داشته است و نگاهش به انسان و تربیت جامع نبوده است. بدون ارتباط با دنیا نمی‌توان زندگی کرد.»

می‌خواهیم برویم، قطعاً بخشی از برنامه دیگران خواهیم شد. لازمه اینکه بخشی از برنامه دیگران نشویم، این است که بتوانیم در زمین خودمان بازی کنیم و بر مبنای اعتقادات و اصول تربیتی خودمان حرکت کنیم. خوشختانه سند تحول این مهم را برای ما فراهم ساخته است.»

وی همچنین گفت: «آینده به سمت ما می‌آید، بیش از اینکه ما به سمت آینده برویم. اگر قرار است موفق باشیم، باید دورتر، سریع‌تر و بیشتر ببینیم. این‌ها را فرهنگ سازی کنیم و در قالب ظرفیت مجله، گفتمان‌سازی کنیم تا موضوع در سطح مدرسه و خارج و بالاتر از آن، طرح شود و مورد استفاده قرار گیرد.»

## لازمه دنیای امروز تعامل است



دکتر حیدر تورانی با بیان اینکه دنیای امروز دنیایی با سبک و روش حکمرانی جدید است، معمولاً استانداردها، بایدها و قوانینی بین‌المللی تعیین می‌کند که هر کس یا هر کشوری با آن استانداردها و بایدها و قوانین پیش رود و سازگار شود، امتیاز می‌گیرد، اگر نه حذف می‌شود. نمونه‌های آن را از سازمان‌ها و مراکز علمی جهانی و بین‌المللی (مانند یونسکو)، ورزشی (مانند فیفا) و سیاسی (سازمان ملل) مشاهده می‌کنیم. بنابراین، نمی‌توان با دنیای امروز بدون تعامل و تضارب فکری و علمی فعال پیش رفت. اگر بخواهیم و بتوانیم در این تعامل دست برنده داشته باشیم، باید چشم‌انداز و راهبردهای روشنی داشته باشیم و بدانیم چه می‌خواهیم و چه می‌کنیم. اما اگر چراغ خاموش و تنها در خلوت و عزلت پیش برویم، نه تنها اتفاق مثبتی در مسیر پیشرفت‌مان نخواهد

۱۳۴۵ و بخش دوم از سال ۱۳۴۵ که اصلاحات آموزشی با تأسیس دوره راهنمایی در اجلاس رامسر شروع شد. عضو شورای تحریریه مجله رشد مدیریت مدرسه گفت: «۴۵ سال ابتدای قرن گذشته، به صورت باری به هر جهت گذشت. اما از سال ۱۳۴۵ به این سو، ما شاهد تغییر حیات مکرر نظام آموزشی بودیم». مجدفر ادامه داد: «ما در دوره‌های تحصیلمان در تربیت معلم درسی داشتیم با عنوان برنامه‌ریزی، برنامه‌ریزی خطی و برنامه‌ریزی غیرخطی. تجربه کرونا به ما نشان داد، اتفاقی که در تولید صنعتی رخ داده، این است که تولید صنعتی از غیرخطی بودن خارج شده است و لاجرم آموزش هم در قرن جدید از خطی بودن خارج خواهد شد. نمونه کوچک این شرایط را در ماجرای کرونا دیدیم. در واقع برنامه سالانه‌ای را که مدیران مدرسه‌ها می‌نوشتند و برنامه‌های خطی بود، مجبور شدند جایگزین‌دار بنویسند. یعنی برنامه‌های بنویسند که چند شقه و چند سناریو را پیش‌بینی کند و چون ادارات و آموزش و پرورش کل ما با این تفکر تربیت نشده بودند، در ابتدا اختیار دادند که هر چه مدیر مدرسه گفت پیاده شود. ولی چون این‌ها با این تفکر تربیت نشده بودند، بلافاصله حرف‌هایشان را پس گرفتند و روی آوردند به اینکه دوباره آن را خطی و ابلاغی کنند.

می‌خواهم بگویم، یکی از الزامات قرن برای آموزش و پرورش ما غیرخطی شدن برنامه‌ریزی‌هاست. به واسطه سرعت فراوانی که خواهیم داشت، به واسطه تغییرات مکرری که داشتیم و خواهیم داشت و به واسطه تجربه کرونا و اتفاقاتی که افتاد و به ما نشان داد برنامه‌ریزی خطی جواب نمی‌دهد، ما باید روی بیاوریم به برنامه‌ریزی در شرایط نامطمئن، و برنامه‌ریزی با شرایط نابرابر. در واقع ورود ما به قرن جدید باید با نگاه جدیدی باشد. این را به‌عنوان یک شاخصه در قرن جدید عنوان می‌کنم، مبنی بر اینکه اولین تفاوت قرن جدید با قرن گذشته، در نوع برنامه‌ریزی است.

دکتر تورانی:  
اگر امروز برخی از کشورها در اداره مدرسه‌هاشان موفق‌ترند، به این دلیل است که از قبل‌ترها شروع کرده‌اند و زیرساخت‌های نرم و سخت مورد نیاز را آماده کرده و آینده را زودتر دیده‌اند

این برنامه‌ریزی می‌تواند از برنامه‌ریزی راهبردی شروع شود و به برنامه‌ریزی عملیاتی مدرسه‌ای و حتی به برنامه‌دستی و کلاسی معلم برسد. مجدفر توضیح داد: «امروز و در شرایط کرونا، چندین جایگزین برای معلم ایجاد شده است. در واقع، معلم ما هیبریدی یا چندگانه‌سوز شده است! هم باید برخط تدریس کند و هم باید آمادگی تدریس انفرادی داشته باشد. و هم آمادگی داشته باشد نسخه کاغذی به منزل بچه‌ها بفرستد. در حالی که قبلاً فقط یک روش تدریس داشت. به اعتقاد من، مهم‌ترین عنصر قرن جدید در آموزش و پرورش، تغییر در نوع برنامه‌ریزی و نگاه به برنامه‌ریزی است که از برنامه‌ریزی خطی به برنامه‌ریزی در شرایط نامطمئن پیش برود».

### ● ابتدا چشم‌انداز را مشخص کنیم



مهندس صادق صادق‌پور در این جلسه یکی از ضرورت‌های عصر حاضر را تمرکز از نقاط منفی به سمت قوت‌ها و فرصت‌ها عنوان کرد و گفت: «باید بتوانیم نگاهمان را تغییر دهیم. امروز در جامعه کاستی‌ها و تهدیدها را به خوبی می‌بینیم. اما فرصت‌ها و قوت‌ها را کمتر می‌بینیم. پیترو دراکر جمله

معروفی دارد که می‌گوید: به فرصت‌ها غذا دهید، به مشکلات گرسنگی. اما ما خیلی وقت‌ها برعکس عمل می‌کنیم. لذا پیشنهاد اول من برای ورود به دنیای آینده، مشخص کردن چشم‌انداز است؛ اینکه می‌خواهیم کجا برویم. دوم اینکه برای رسیدن به آن چشم‌انداز، مهارت‌های لازم را فرا بگیریم».

صادق‌پور گفت: «مهارت‌های ورود به آینده خیلی متفاوت از مهارت‌هایی هستند که تاکنون داشته‌ایم. نقلی است که می‌گوید، مدرسه‌های آینده شش ضلع خواهند داشت. اولین ضلع خودآموزی و یادگیری است و بعد به سراغ بازی و نشاط، قصه و داستان‌سرایی، طراحی و معنا می‌روند. در همین جا می‌خواهم پیشنهاد کنم مدیران محترم دو کتاب پنج ذهن برای دنیای آینده و ذهن کامل نور را بخوانند».

صادق‌پور این دو کتاب را برای مدیران مدرسه‌ها مؤثر دانست و گفت: «گاردنر در کتاب پنج ذهن برای آینده، به ذهن‌های منظم، منسجم، خلاق، مؤدب و اخلاقی اشاره می‌کند و معتقد است آرامش نتیجه ذهن مؤدب است. اگر ذهن مؤدب نباشد، آرامش هم نیست. لازمه مدرسه‌های آینده این است که مدیران حتماً پنج شاخصه را داشته باشند: ۱. فکر بکر؛ ۲. ترسیم آینده؛ ۳. شوق تغییر؛ ۴. صداقت؛ ۵. بزرگواری».

### ● ترس مانع خلاقیت است



دکتر محمدعلی شامانی چنین شروع کرد: «تا از ترس‌ها عبور نکنیم، هیچ آینده‌ای امکان وقوع ندارد. ما به ترس‌هایمان سنجاق شده‌ایم و آن‌ها را رفتار مصلحت‌گرایانه و برخاسته از

عقلانیت تعریف می‌کنیم. ترس با عقل در تقابل است. عاقل ترسو نیست. عاقل شجاع و رو به آینده است. ما برای اینکه نشان دهیم آدم‌های صاحب احتیاطی هستیم، ترس‌ها را برجسته می‌کنیم و خودمان را پشتشان گم می‌کنیم».

شامانی لازمه تفکر درباره آینده را عبور از ترس‌ها دانست و گفت: «ابتدا باید از منطقه ترسناک ذهن بیرون بیاید. چون شما را به هم می‌ریزد. منطقه امن را از شما می‌گیرد و خواب راحت را دریغ می‌دارد. ترس‌ها هیچ وقت فرصت خلاقیت و اندیشه‌های جسورانه به شما نمی‌دهند. فردا مستلزم نگاهی جسورانه است. ما در نگاهمان به آینده نیز خیلی با مدل سابق حرف می‌زنیم. فردا از جنس رشدی نبوده است که دیروز ما تجربه کرده‌ایم. نرخ این رشد به مراتب قابل پیش‌بینی نیست. فردا در ابهام به سر می‌برد. اگر می‌خواهیم از فردا حرف بزنیم، باید امروز را بفهمیم. سخن فردا از اکنون آغاز می‌شود».

عضو شورای تحریریه مجله رشد مدیریت، با تأکید بر اینکه نمی‌خواهیم از خلاقیت‌ها و نوآوری‌ها استفاده کنیم، گفت: «هنوز، همان‌طور که پدرانمان به شالیزارهایمان می‌رفتند، می‌رویم. در واقع نمی‌خواهیم از دستاوردهای روز بهره ببریم. بعد هم توجیه می‌کنیم. الان عصر نانو است. در عصر نانو لازم نیست صدها تن مصالح مصرف کنیم. ما آدم‌هایی هستیم که برای بستن سوراخ موش، ده‌ها کیسه گچ خالی می‌کنیم. امروزه بچه‌ها از ما جلوترند و به حرف‌های مدیر و معلم گوش نمی‌کنند. مدیر باید خودش هم‌پای مربی با جهان نو شود، نه اینکه بایستد و آدرس دیروز را بدهد. ما نباید پشت گذشته پنهان شویم. این‌گونه ما به تهدید تبدیل می‌شویم. بنابراین، لازم است بگوییم لطفاً مدیران اینگونه ما کنار بروند تا تعلیم‌وتربیت نفس بکشد. تا وقتی نگاه سنتی داریم، حتی با وجود کسانی هم که نو می‌اندیشند، باد تازه‌ای نمی‌وزد. ما باید جنس‌مان را برای آینده آماده کنیم. جنس ما جنس آدم‌هایی برای

آینده نیست. ما آدم‌های نوستالژیک هستیم. بی‌پذیریم که اگر از فردا صحبت می‌کنیم، فردا همین اکنون است و اگر اکنون ذهن ما بدون رسوب است، فردا هم می‌تواند حرف‌های تازه داشته باشد. نگاه ما به آینده به بازخوانی، ریکآوری و پرت شدن در اقیانوسی نیاز دارد که در آن دست و پا بزنیم. شاید اگر بیماری کرونا نمی‌آمد، حاضر نبودیم شکل مدرسه‌ها را از سنتی تغییر دهیم. همان‌طور که گفتید، الان معلم ما چندگانه‌سوز شده است. و این اتفاق منحصربه‌فردی است».

شامانی با تأکید بر اینکه بازگشت به گذشته امکان‌پذیر نیست، گفت: «اما، از آنجا که ما آدم‌های دیروز هستیم، سد می‌سازیم تا بگوییم دیروز بهتر از امروز است. اما هیچ دیروزی بهتر از فردا نخواهد بود».

## تحلیل نهادی آموزش و پرورش



**دکتر علی خلخالی**، عضو دیگر شورای تحریریه مجله رشد مدیریت، گفت: «جامعه متعادل یا نرمال جامعه‌ای است که کمترین آسیب‌های اجتماعی و حد بهینه‌ای از کارآمدی را دارد. جامعه متعادل پیامد استقلال نهادهای اجتماعی بنیادی است. اگر نهادهای جامعه‌ای استقلال کافی نداشته باشند، آن جامعه دچار آنومی می‌شود و آنومی با خودش انواع آسیب‌های اجتماعی، از جمله ناکارآمدی مزمن، را ایجاد خواهد کرد. اگر در آینده چشم‌اندازمان به سمت ایجاد جامعه‌ای متعادل است، باید تلاش کنیم نهادهای بنیادی جامعه، استقلال نهادی خود را به دست آورند».

خلخالی بنیادی‌ترین نهادهای بشر از دیرباز تاکنون را نهاد خانواده، آموزش،

اقتصاد، سیاست و مذهب دانست و گفت: «در طول تاریخ هر موقع یکی از این نهادها نتوانست کارکردهای خود را داشته باشد، آن جامعه دچار آنومی شد. امروز تمرکز بحث ما روی آموزش است. به زعم من، یکی از بزرگ‌ترین دشواری‌هایی که از گذشته بر نهاد آموزش و پرورش ایران تحمیل شده است، گرفتن استقلال نهادی این نهاد است. یعنی اجازه داده نشد این نهاد روی پای خود بایستد و مستقل عمل کند».

او با بیان اینکه استقلال نهادی از سه بعد قابل مطرح کردن است، این سه استقلال را شامل استقلال مالی، استقلال سیاسی و استقلال دانشگاهی دانست و گفت: «در استقلال مالی، جوامعی که توسعه یافته هستند، توانسته‌اند از طریق سیستم حمایتی مناسب، برای آموزش و پرورش منابع مالی تأمین کنند. اما در آموزش دخالت نداشته باشند. جامعه‌ای مثل جامعه ما معتقد است چون منابع مالی آموزش و پرورش را نهاد و نظام و سیستم تأمین می‌کند، بنابراین حق دارد در آموزش و پرورش مداخله کند».

خلخالی توضیح داد: «یکی از اسنادی که اخیراً مرکز پژوهش‌های مجلس نشر داده است، می‌گوید در بسیاری از کشورها از جمله کشور ما، متولی اصلی آموزش و پرورش رسمی دولت است و عمده هزینه‌ها از آموزش و پرورش تأمین می‌شود و بر این مبنای ارزش‌ها و اهداف نظام آموزش و پرورش را نیز دولت و نظام تعیین می‌کنند. چون دولت هزینه‌ها را تأمین می‌کند. از این منظر، آموزش و پرورش در عین حال که مولد ارزشمندترین سرمایه‌های اجتماعی و زمینه‌ساز توسعه است، نهادی مصرف‌کننده تلقی می‌شود. خلخالی با اشاره به این سند گفت: «در ساختار سیستم ما آموزش و پرورش یک نهاد مصرف‌کننده است و بر آن اساس سیاست‌های دیگری وضع شده است. دنیای آینده دنیای تنزل حکومت‌های مرکزی است و دامنه قدرت حکومت‌های مرکزگرا کم می‌شود. به دلیل گسترش



قدرت شبکه‌های اجتماعی، ما با نوعی قدرت شبکه‌ای مواجه خواهیم بود. بنابراین، اگر هر چه زودتر استقلال نهادهای بنیادی‌مان را سامان ندهیم، بقیه امور محقق نخواهند شد.»

او ادامه داد: «نهاد آموزشی وابسته، قادر نیست کارکرد بنیادی خود را انجام دهد. در هدایت تحصیلی به دانش‌آموز می‌گویند رشته‌ای را انتخاب کن، می‌گوید ببینیم بازار چه می‌طلبد. این خودش یک سم است و شما کارکردهای اصلی خود را، بدون ایجاد استقلال نهادی برای آموزش و پرورش (استقلال مالی، استقلال سیاسی و دانشگاهی) نمی‌توانید انجام دهید.»

خلخالی استقلال مالی آموزش و پرورش را اداره کردن خودش از طریق خودش تعریف کرد و درباره استقلال دانشگاهی آموزش و پرورش گفت که خود نهاد باید بگوید ما چه چیزی را چگونه باید بخوانیم. او دخالت دولت در این موضوع را دخالت در نهاد آموزشی دانست و گفت: «در آینده، به دلیل کم شدن دامنه قدرت حکومت‌های مرکزی، به دلیل گسترش قدرت در سطح جامعه، جوامعی که نتوانسته باشند نهاد آموزشی‌شان را مستقل کنند، آسیب خواهند دید.»

او به لزوم حساب پس‌دهی در جوامعی که می‌خواهند همه چیز را تحت کنترل داشته باشند، اشاره کرد و گفت: «با فرض اینکه یک نظام سیاسی می‌خواهد همه چیز را در کنترل خود داشته باشد و دولت فراگیر باشد، باید از یک مدل پاسخ‌دهی در آینده برخوردار باشد. قراردادی حقوقی بین مدرسه و خانواده بسته شده است. مدرسه مدعی این است که کتاب درسی دارد و به پدر و مادر اطمینان می‌دهد دانش‌آموز را به این اهداف می‌رساند.»

او درباره چگونگی حسابرسی این سیستم گفت: «کار سیستم حسابرسی این است که در قوه قضاییه باید شعبه‌ای ایجاد شود تا به دعاوی آموزشی رسیدگی کند. اگر آخر سال

دکتر خلخالی:  
یکی از بزرگ‌ترین  
دشواری‌هایی که  
از گذشته بر نهاد  
آموزش و پرورش ایران  
تحمیل شده است، گرفتن  
استقلال نهادی این نهاد  
است

شد و بچه زبان انگلیسی یاد نگرفت یا نمازخوان نشد، می‌توان در دادگاه از نهادی که مدعی بود این‌گونه خواهد شد، شکایت کرد. اگر نهاد دولت می‌خواهد نهادسازی انجام دهد و دولت نهادگرا باشد، آینده موفق خواهد داشت. اگر می‌خواهد نگهداری و تضمین کیفیت انجام دهد، باید نهادی برای پاسخگویی هم ایجاد شود که پیگیر این نوع دعاوی باشد.»

### ● تربیت در فضای تنش‌زا شکل نمی‌گیرد

در بخش پایانی، هریک از حاضران در جمع‌بندی سخنان کوتاهی به این شرح داشتند:

ابراهیم اصلانی گفت: «نکته اینجاست که ما جاده را اشتباه می‌رویم. بنابراین، هر چه در جاده می‌بینیم نیز اشتباه است. ما باید جاده را عوض کنیم و خیلی از چیزهای قبلی را دور بریزیم.» شامانی نیز با اشاره به فرمایشی از امام صادق (علیه‌السلام) گفت: «وقتی در مسیر درست نیستی، هر چه سرعت گام‌هایت را بیشتر کنی، جز دور شدن از مقصد چیزی نصیب نخواهد شد. آموزش و پرورش که پیش روی ماست، در حال تبدیل شدن به آموزش و پرورش رقابتی است. آموزش و پرورش رقابتی از یک سو می‌تواند فرصت خوبی باشد و از سوی دیگر تهدیدی بالقوه است و تربیت در فضای رقابتی و تنش‌زا اصلاً شکل نمی‌گیرد. ما می‌خواهیم آدم‌ها در عین رقابت در کنار یکدیگر هم‌زیستی و کنار هم بودن را بیاموزند.»

در پاسخ به این سؤال که مدرسه برای چه لازم است باید گفت: مدرسه باید بتواند تأمین‌کننده بخش عمده نیازهای تربیت جمعی و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز باشد. اگر قرار باشد کارکرد مدرسه کارکرد قرن پیش باشد و مدرسه فقط در انتقال دانش نقش داشته باشد، سال‌هاست این اتفاق از دست رفته است و کسی بر این مبنا بچاهش را به مدرسه نمی‌فرستد و اگر هم بفرستند خلاف عقلانیت است. ما نیازهای دیگری را باید برای بچه‌هایمان تأمین کنیم تا راحت‌تر زندگی کنند و از همه مهم‌تر انسان‌هایی باشند که در کنار خودشان تمامی ادیان، مذاهب و نژادها را تحمل کنند و با هم‌زیستی مسالمت‌آمیز، جهان را به فرصت مناسبی برای زندگی تبدیل کنند.»

صادق پور نیز با اشاره به فرمایشی از حضرت امام علی (علیه‌السلام) که می‌فرمایند: «هر کس دو روزش برابر باشد، مغبون است» (بحار الانوار، ج ۷، ص ۳۲۷)، گفت: «باید زمان را بشناسیم و ببینیم آینده به کجا می‌رود تا خودمان را متناسب با آن شرایط آماده کنیم. لذا من دوباره برمی‌گردم به همان بحث فرصت‌ها را قدر بدانیم و فرصت‌ها را بشناسیم. فرصت‌ها و انگیزه‌ها به هم پیوند خورده‌اند و افرادی که با انگیزه‌اند، فرصت‌ها را می‌بینند. فرصت‌ها خود را در موقعیت‌های بی‌نقص عرضه نمی‌کنند. اگر منتظر شویم همه چراغ‌ها سبز شوند، هرگز جایی را که هستیم ترک نخواهیم کرد. پس باید بپذیریم که ما یک مجموعه مشکلات داریم، اما فرصت‌های بسیار زیادی پیش روی ماست.»

خلخالی استقلال نهادی را نجات‌بخش آموزش و پرورش آینده دانست و گفت: «شکل کنونی تربیت معلم و شکل فعالیت مدرسه‌ها درست نیست. معتقدم باید نهادی در نظام آموزش و پرورش و استقلال نهادی بازنگری صورت گیرد و به نظر من می‌تواند راه حل درستی باشد.»